

بررسی ماهیت حقوقی تعهدات سازمان جهانی تجارت

محمدتقی رضایی* حجت ایزدی**

چکیده:

در زمینه ماهیت حقوقی تعهدات سازمان جهانی تجارت دو نظریه مطرح است. یک نظریه آن است که این تعهدات ماهیتاً دوجانبه هستند بدین معنی که میتوان آنها را مجموعه ای از روابط دوجانبه یا متقابل بین اعضا تلقی کرد و لذا آثار حقوقی آنها باید بر اساس قواعد مربوط به تعهدات دوجانبه در حقوق بین الملل ارزیابی گردد. این نظریه بر این باور استوار است که هدف تعهدات این سازمان تجارت است و تجارت امری ماهیتاً دوجانبه و متقابل است. بعلاوه این تعهدات قابل قیاس با تعهدات حقوق بشری که ماهیتاً چندجانبه میباشند نیستند. بنابراین روابط میان دولتهای عضو اساساً ماهیت دوجانبه دارد و مستقل از یکدیگرند. نظریه دیگر آن است که تعهدات این سازمان ماهیتاً جمعی یا چند جانبه هستند زیرا هدف اساسی آنها حمایت از انتظارات جمعی در زمینه سیاست تجاری دولتهاست و لذا یک منفعت جمعی برتر از منفعت فردی اعضا مد نظر است. این مقاله به بررسی این دو نظریه پرداخته و به این نتیجه میرسد که تأکید بر تشکیل نظام چندجانبه در اسناد سازمان، اصل ملت‌های کامله الوداد مقرر شده در ماده یک گات، فرایند قانونگذاری و رویه قضایی نهاد

* استادیار دانشگاه پیام نور واحد سپیدان استان فارس (نویسنده مسئول) rezaeimt@yahoo.com
**دانش آموخته دوره دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران hojatizadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۲۷

حل اختلاف نشان می‌دهند که این تعهدات ماهیت چند جانبه یا جمعی دارند و اجرای اصل توسعه، رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و ضعیف، برقراری نظام اجباری حل و فصل اختلافات و ایجاد نهاد ویژه بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو از آثار پذیرش ماهیت چندجانبه تعهدات اعضاء آن به‌شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: سازمان جهانی تجارت، تعهدات، روابط دوجانبه و چندجانبه، گات.

۱- مقدمه

اساساً تعهدات بین‌المللی به سه صورت دوجانبه، چندجانبه و یا همگانی قابل تصور است. تعهدات دوجانبه میان دو کشور و تعهدات چندجانبه ما بین چند کشور برقرار میشود در حالیکه تعهدات همگانی یا جهانی مانند اغلب معاهدات مربوط به حقوق بشر همه کشورهای جهان را در بر می‌گیرد و همه اعضای جامعه بین‌المللی را ملزم و متعهد مینماید. هر تعهد بین‌المللی را میتوان از دو جنبه شکلی و ماهوی در سه قالب مذکور مورد مطالعه قرار داد و آثار حقوقی متفاوتی را بر آنها مترتب دانست. تعهدات سازمان جهانی تجارت که هم‌اینک ۱۵۳ عضو رسمی و ۳۰ عضو ناظر دارد از لحاظ شکلی جزء تعهدات چندجانبه بین‌المللی هستند. پرسش مهمی که در مورد تعهدات اعضای این سازمان مطرح میباشد این است که آیا این تعهدات ماهیتاً نیز چندجانبه هستند؟ و با معیارهایی که در مورد تعهدات ماهیتاً دو جانبه و چندجانبه در حقوق بین‌الملل وجود دارد تعهدات اعضای این سازمان در کدام دسته قرار می‌گیرند. آیا این تعهدات علی‌رغم اینکه از نظر شکلی چندجانبه هستند از لحاظ ماهوی ماهیتی دو جانبه و متقابل دارند یا آنکه ماهیتاً نیز چندجانبه می‌باشند. تعیین این رابطه حقوقی آثار حقوقی مهمی در مرحله اجرای این گونه تعهدات میان اعضای سازمان و اختلافات ناشی از عدم اجرای آنها دارد.

۲- تعهدات بین المللی از نظر ماهوی

۲-۱. تعهدات موجد روابط با ماهیت دو جانبه

تعهدات دوجانبه از قدیمی ترین انواع تعهدات بین المللی هستند که بین دو شخص حقوق بین الملل ایجاد می شوند چنان که در بند اول ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری تحت عنوان عهدنامه های خاص به آنها اشاره شده و موجد آثار حقوقی بین طرفین آنهاست. مانند تعهد به استرداد مجرمین^۱ که تعهدی است دو جانبه که به موجب آن افراد توسط دولتی به دولت دیگر مسترد می شوند و هیچ دولتی مکلف و موظف به استرداد نیست مگر بر اساس قرارداد و یا وجود قواعد عرفی بین طرفین این گونه تعهدات (آکهرست،^۲ ۱۹۸۷: ۱۰۷). برخی از حقوقدانان حقوق دیپلماتیک را که وسیله ای است برای برقراری روابط دو جانبه یا متقابل^۳ بین دولتها (برونلی،^۴ ۱۹۸۸: ۳۴۸) نیز از انواع تعهدات دوجانبه میدانند که بر اساس آن برقراری رابطه دیپلماتیک با رضایت طرفین صورت می گیرد (صدر، ۱۳۷۶: ۲۲). معاهدات مودت و دوستی بین دولت ها و معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری^۵ که پدیده ای نسبتاً جدید در حوزه بین الملل اقتصادی است (سورناراجا،^۶ ۱۳۸۳: ۲۵۱) از انواع دیگر تعهدات دوجانبه هستند. تعهدات دوجانبه محصول گذار از مرحله یکجانبه گرایی به مرحله دوجانبه گرایی در روابط بین الملل است. در دورانهای ابتدائی تشکیل جامعه بین المللی شکل کلاسیک یکجانبه گرایی^۷ بر ملتهای اولیه حاکم بوده است و منافع هر کشور مقدم بر منافع کل جامعه بین المللی قرار میگرفت (کاسسه،^۸ ۱۳۷۰: ۴۶). لذا دولتها یا اصولاً هنوز برای برقراری روابط و قبول تعهد بین المللی آمادگی لازم را نداشتند و یا اگر هم ضرورت ایجاد می نمود اصولاً تمایل به برقراری تعهد تنها با دولت خاصی داشتند و همین نقطه شروع پذیرش تعهدات با ماهیت روابط دو جانبه بود. تمایلی که با گذشت قرن ها از شروع برقراری روابط دو جانبه همچنان در سطح بین المللی بسیار قوی و استوار است به طوری که حتی در جهان کنونی تعداد کثیری از تعهدات بین المللی روابط کاملاً دو جانبه ایجاد می کنند (سیسیلیانوس،^۹ ۲۰۰۲: ۱۱).

۲-۲. تعهدات موجد روابط با ماهیت چند جانبه:

اینگونه تعهدات که میان بیش از دو شخص حقوق بین الملل ایجاد می‌شوند عموماً ناظر بر روابط تجاری، سیاسی و فرهنگی چند کشور است مانند کنوانسیون منطقه ای همکاری برای حمایت از محیط زیست دریایی که در آوریل ۱۹۷۸ در کویت به تصویب هشت دولت حاشیه خلیج فارس رسیده و به کنوانسیون کویت معروف است (ممتاز، ۱۳۷۶: ۱۹۱). در قرن نوزدهم اغلب تعهدات بین المللی اصولاً ماهیت دوجانبه داشته اند اما از اواخر قرن نوزدهم به بعد گذار از مرحله دوجانبه گرایی به چندجانبه گرایی در روابط بین المللی شدت بیشتری گرفت که تصویب کنوانسیونهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه محصول همین رویکرد در جامعه بین المللی است. شتاب این رویکرد در طول قرن بیستم به مراتب بیشتر گردید و حاصل آن تصویب دهها معاهده بین المللی چندجانبه از جمله تدوین کنوانسیون حقوق معاهدات بود که نشانه بارز گریز از مفهوم کاملاً دو جانبه گرایانه در روابط بین المللی بوده است (اسپیندی،^{۱۰} ۲۰۰۲: ۱۱۰۱). این گونه تعهدات میان چند دولت به وجود می‌آید و اجرای دقیق آنها توسط همه دولت‌هایی که به آن تعهدات ملزم شده اند شرط اساسی برای ادامه حیات نظامی است که آنها آن را ایجاد کرده اند (سیسیلیانوس، ۲۰۰۲، ۱۵). کنوانسیون‌های خلع سلاح که تولید و استفاده از سلاح‌های خاصی را منع می‌کنند، موافقت نامه‌های خلع سلاح در مناطق خاص یا موافقت نامه ایی که ماهیگیری را در مناطق خاص دریایی منع می‌کنند مثال‌هایی از تعهدات با ماهیت چند جانبه هستند (دوپویی،^{۱۱} ۲۰۰۲: ۱۰۷۱).

۲-۳. تعهدات موجد روابط با ماهیت همگانی

اینگونه تعهدات همگانی یا جهانشمول هستند و غالباً ریشه در دیدگاه آن دسته از حقوق دانانی دارد که منشاء پیدایش قواعد و مقررات حقوق بین الملل را حقوق طبیعی می‌دانستند (ذوالعین، ۱۳۷۷: ۴۴۰). اینگونه قواعد عمیقاً در وجدان بشریت و وجدان هر انسان عاقلی ریشه دارند و لذا فراتر از اراده دولت‌ها تجلی می‌یابد. اصولی قهری و لایتغیرند که عام و فراگیر بوده مشمول مرور زمان نشده و لازمه حیات فردی و

اجتماعی شناخته میشوند (ممتاز، ۱۳۷۷: ۹). شناسایی تعهدات با ماهیت همگانی در حیطه مسئولیت ناشی از نقض آنها تبلور می‌کند زیرا تبعاتی ماورای روابط دو جانبه بر جای می‌گذارد. چنانکه گروسیوس نظریه پرداز حقوق طبیعی بر این باور بود که پادشاهان حق دارند هم به علت خسارات وارده به خود یا اتباعشان و هم به علت خساراتی که مستقیماً به آنها وارد نمی‌شود بلکه به حقوق طبیعی یا حقوق ملت دیگر بیش از اندازه لطمه وارد می‌کند درخواست مجازات کنند (نولته^{۱۲}، ۲۰۰۲: ۱۰۸۴). در دوره معاصر دسته ویژه ای از تعهدات که نقض آنها همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث مسئولیت دولت نقض کننده در برابر همه کشورها می‌شود موضوعی جدی تلقی می‌شود و حقوقدانان بین المللی را بر آن می‌دارد تا ساز و کارهایی را در چارچوب نظام دسته جمعی برای مقابله با نقض چنین تعهداتی جستجو نمایند (کلین^{۱۳}، ۲۰۰۲: ۱۲۴۱). دیوان بین المللی دادگستری در سال ۱۹۷۰ در قضیه معروف به بارسلونا تراکشن^{۱۴} دو نوع تعهد بین المللی یعنی تعهدات در مقابل جامعه بین المللی مانند ممنوعیت بردگی و تبعیض نژادی و تعهدات در مقابل دولت معین را از هم متمایز دانسته است (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۱۹۶). در حال حاضر با توسعه و تکامل جامعه جهانی به نظر می‌رسد مرتباً بر شمار چنین تعهداتی افزوده می‌شود. نوع دیگری از تعهدات همگانی قواعد آمره است که اهمیت و جایگاه این قواعد به مراتب از سایر تعهدات بیشتر و بالاتر است. ماده ۵۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات قاعده آمره را قاعده ای میداند که به وسیله اجماع جامعه بین المللی کشورها به عنوان قاعده ای تخلف ناپذیر پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل است. در واقع تفاوت قواعد آمره با قواعد دیگر در نتایج متفاوتی است که از تخلف ناشی از آنها حاصل می‌شود (ولفکی،^{۱۵} ۱۹۷۴: ۱۴۹) و لذا در مواد ۴۰ و ۴۱ پیش نویس کنوانسیون مسئولیت بین المللی دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل که از بحث انگیزترین موضوعات در حیطه مسئولیت دولت بوده است در صورت نقض جدی قواعد آمره تعهدات ویژه الزام آوری برای دولت مسئول نقض و همچنین برای دولت‌های دیگر پیش بینی شده است (تامز،^{۱۶} ۲۰۰۲: ۱۱۶۱). بنابراین قواعد آمره هم از

حیث ماهوی در بالاترین مرتبه اهمیت قرار دارد و هم بالاترین حمایت و ضمانت اجرا را در جامعه بین المللی از آن خود ساخته است. (هانیکاینن،^{۱۷} ۱۹۸۸: ۱۲). از مصادیق بارز قواعد میتوان به اصل وفای به عهد، اصل حسن نیت، اصل منع توسل به زور تحریم جنگ، اصل منع تجاوز، اصل حق تعیین سرنوشت دولت‌ها، اصل احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت سرزمینی کشورها، اصل دفاع مشروع، اصل احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر و اصل منع کشتار جمعی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۲۳۲) اشاره کرد. برخی از حقوقدانان تعهدات ناشی از منشور ملل متحد را نیز واجد وصفی برتر از سایر تعهدات بین المللی دانسته‌اند (مک دونالد،^{۱۸} ۱۹۸۷: ۱۲۸).

۳- ماهیت روابط اعضاء سازمان جهانی تجارت

۳-۱. تعهدات سازمان از نظر شکلی و ماهوی

از لحاظ شکلی تعهدات سازمان جهانی تجارت در دسته معاهدات چند جانبه قرار می‌گیرند. گات سابق که در سال ۱۹۴۷ در قالب موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت تشکیل شد ۲۳ عضو داشت که در سال ۱۹۹۴ تعداد اعضاء آن به ۱۲۸ کشور رسیده بود (سایت سازمان جهانی تجارت، اعضای گات^{۱۹}، ۲۰۰۸). با تشکیل سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ تعداد اعضاء افزایش چشمگیری داشته به طوری که در حال حاضر تعداد اعضاء این سازمان به ۱۵۳ عضو رسمی و ۳۰ عضو ناظر رسیده است (سایت سازمان جهانی تجارت، سازمان جهانی تجارت،^{۲۰} ۲۰۱۰). از همان ابتدای تشکیل گات و همچنین در طول تشکیل سازمان جهانی تجارت همواره از نظام چند جانبه تجاری^{۲۱} صحبت می‌شود هر چند که در نام این سازمان واژه جهانی به کار رفته است.^{۲۲} البته با توجه به تعداد اعضای رسمی و اعضای ناظر آن که تقریباً با اندکی تفاوت با شمار اعضای سازمان ملل متحد برابری می‌کند حتی می‌توان گفت که تعهدات این سازمان از لحاظ شکلی در زمره تعهدات جهانی قرار دارند (نونزاد، ۱۳۸۳: ۴۰۹) همان گونه که نام این سازمان تبلور همین واقعیت است. تعهدات سازمان جهانی تجارت علی الظاهر و از جنبه شکلی تعهداتی چند جانبه هستند که در روابط میان

چندین دولت الزام آور هستند اما در این مورد که این تعهدات ماهیتاً نیز چند جانبه هستند یا ماهیتی دو جانبه و متقابل دارند دو نظریه مطرح است.

۲-۳. دوجانبه بودن تعهدات سازمان جهانی تجارت

برخی از حقوقدانان بر این باورند که تعهدات سازمان جهانی تجارت از نوع تعهدات دو جانبه یا متقابل هستند یعنی تعهداتی حقوقی میان دو دولت محسوب می‌شوند. طرفداران این نظریه معتقدند شیرازه^{۳۳} حقوقی تعهدات این سازمان متقابل یا دو جانبه و محدود به دو دولت می‌شود هرچند که این تعهدات از یک معاهده به ظاهر چند جانبه ناشی شده است. چنین تعهدات متقابلی همواره می‌تواند به یک تعدادی روابط دو جانبه دولت با دولت تجزیه شود از این رو تغییر یا تاثیر هر یک از این روابط دو جانبه مستقل از دیگری است. در نتیجه تعلیق یا تغییر یا اصلاح دو جانبه تعهدات متقابل مجاز است و نقض آنها تنها بوسیله دولت یا دولت‌هایی که در طرف دیگر آن رابطه یا روابط متقابل قرار دارند قابل استناد است. این گروه استدلال میکنند که هدف تجارت ایجاد رابطه بین یک دولت با دولت دیگر است. کالا یا خدمات از یک کشور به کشور دیگری صادر می‌شوند. بنابراین "تجارت یک واقعه دو جانبه هست و باقی می‌ماند"^{۳۴}. هدف تعهدات و حقوقی که در سازمان جهانی تجارت مورد مذاکره و تصویب قرار می‌گیرند حصول اطمینان از دسترسی به بازار برای یک محصول معین از بازار عضو الف به بازار عضو ب می‌باشد (پوپلین، ۲۰۰۳: ۹۰۷) و تعهدات ناشی از آن مانند تعهدات ناشی از معاهدات دیپلماتیک و کنسولی از نوع متقابل و دوجانبه است و به نحوی که دیوان بین المللی دادگستری در مورد تعهدات حقوق بشری تبیین کرده است نمی‌باشند (گزینی، ۲۰۰۶: ۷۲۳) زیرا نقض تعهدات سازمان جهانی تجارت ممکن است اثرات اقتصادی بر بیش از یک عضو سازمان داشته باشد اما این بدان معنی نیست که ضرورتاً حقوق همه اعضا را تحت تاثیر قرار می‌دهد درست برخلاف تعهدات حقوق بشری و زیست محیطی است که نقض آنها همه اعضا دیگر جامعه جهانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا تجارت بر خلاف مفاهیمی مانند حمایت از

حقوق بشر، منع ژنوسید یا حفظ محیط زیست یک ارزش نیست بلکه تنها یک وسیله برای افزایش رفاه اقتصادی است. تجارت و مقررات سازمان جهانی تجارت به دنبال توسعه تجارت هستند که حاصلش منافع شخصی اعضاست بر خلاف مثلاً کنوانسیون ژنوسید که به گفته دیوان بین المللی دادگستری دولتهای متعاقد یک منفعت عمومی و مشترک در آن دارند (پویلین، ۲۰۰۲^{۲۷}). تعهدات سازمان و کلاً تعهدات تجاری بین المللی بر خلاف تعهدات حقوق بشری، از لحاظ حقوقی دو جانبه هستند و این تعهدات را می توان به یک شبکه ای از روابط دو جانبه متعدد تجزیه نمود (گزینی، ۲۰۰۶: ۷۲۵). به باور طرفداران این نظریه ماهیت دوجانبه تعهدات سازمان را می توان از روند مذاکرات در مرحله تصویب و چگونگی اجرای آنها نیز استنباط نمود. تعهدات سازمان بخصوص تعهداتی که در جداول مخصوص به هر کشور در مورد اعطای امتیازات تنظیم می گردند در ابتدا در قالب دولت با دولت مورد مذاکره قرار می گیرند بطوری که دولت الف و ب امتیازی می دهند و امتیازی می گیرند (پویلین، ۲۰۰۲^{۲۸}).

۳-۳. چند جانبه بودن تعهدات سازمان جهانی تجارت

گروه دیگری از حقوقدانان معتقدند که تعهدات اعضای این سازمان ماهیتاً از نوع تعهدات چند جانبه بین المللی است و هدف اصلی موافقت نامه سازمان جهانی تجارت حمایت از انتظارات اعضاء است و این یک هدف جمعی است. مثلاً اعضا ملزم شده اند که بر محصولات خارجی مالیات داخلی وضع نکنند و با آنها مانند محصولات داخلی برخورد کنند و این تعهدی است که طبیعتاً در کشورهای دیگر عضو هم همین انتظار را ایجاد می کند. اصل ملت های کامله الوداد این انتظارات را که در ابتدا دو جانبه هستند به حالت جمعی در می آورد (کارمودی^{۲۹}، ۲۰۰۶: ۴۳۲). در واقع دولتها با پیوستن به این سازمان و قبول تعهدات آن بخشی از حاکمیت خود در حوزه اقتصادی را محدود میکنند و این سازمان دارای قدرت و صلاحیتی است که قبلاً در انحصار دولتهای عضو بوده است (ساترلند^{۳۰} و همکاران، ۲۰۰۴: ۵). به عبارت دیگر نظام سازمان جهانی تجارت فراتر از یک قرارداد بین دولتی^{۳۱} است و نمی توان با توسل به

توجیه حاکمیت از تعهدات آن تخطی کرد (چو، ۲۰۰۵: ۳۹۵) و تعهدات اعضاء در این سازمان در حکم قانون اساسی این نظام تجاری چند جانبه میباشد و همه اعضاء ملزم به رعایت این قواعد می‌باشند.

۴- تحلیل حقوقی نظریات مطرح شده

۴-۱. نقد نظریه دوجانبه بودن تعهدات

- طرفداران نظریه دوجانبه بودن تعهدات سازمان تجارت را واقعه ای اساساً دو جانبه می‌دانند اما این فرض به سختی قابل دفاع است زیرا تجارت به عنوان یک واقعه دو جانبه ممکن است در دوره‌های پیشین تاریخی صادق باشد اما سازمان جهانی تجارت آنچنان که امروز وجود دارد یک نظام تجارت چند جانبه کامل است که اعضاء آن مصمم شده اند تا به تجارت در سطح بین المللی شفافیت و قابلیت پیش‌بینی بودن را ببخشند، همان، ۳۰۰). اصل شفافیت در اغلب موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان پذیرفته شده است. ماده ۱۰ گات مقرر میدارد که قوانین، مقررات، آرای قضایی و تصمیمات اداری لازم الاجرا که توسط هر طرف متعاهدی به اجرا در می‌آیند باید فوراً به گونه ای منتشر شوند که حکومت‌ها و بازرگانان بتوانند از آنها آگاهی یابند. در این ماده حتی بر لزوم انتشار رسمی مقررات تجاری قبل از اجرای آنها تأکید شده است. در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات^{۳۳} و در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^{۳۴} نیز بر انتشار مقررات و موافقت‌نامه‌های بین المللی مربوطه تأکید شده است. بنابراین شفافیت در امر تجارت بین المللی امروزه یکی از نیازهای اساسی جامعه جهانی و لازمه تجارت منصفانه و رقابتی در سطح بین المللی است و سازمان با تأکید بر این اصل کشورها را از توافقات دوجانبه محرمانه که قابل تسری به سایر اعضاء از طریق اصل ملت‌های کامله الوداد نباشد بر حذر داشته است و نمی‌توان تجارت به شکلی که در موافقت‌نامه‌های این سازمان در نظر گرفته شده را امری صرفاً دوجانبه دانست.

- مقایسه تعهدات تجاری سازمان با تعهدات حقوق بشری و زیست محیطی

(پویلین، ۲۰۰۳: ۷۳) و رتبه بندی ارزشی این دو دسته تعهدات به گونه ای که طرفداران این نظریه ادعا میکنند نیز قابل پذیرش نیست زیرا جامعه جهانی به همان اندازه که به حقوق بشر و محیط زیست برای ادامه حیات پایدارش نیازمند است به تجارت آزاد نیز نیازمند است و آزاد سازی تجاری که یکی از اصول اساسی و از تعهدات زیربنایی در بین اعضای این سازمان بشمار میرود در شرایط فعلی جهانی یک ارزش همگانی است و ثمرات و برکات ناشی از آن برای اکثر جوامع قابل لمس است و در سایه همین آزادسازی تجاری است که اغلب دسترسی مردم جهان به انواع و اقسام کالاها و خدمات مورد نیاز خود به آسانی ممکن شده است. بشر امروز همان قدر به کامپیوتر و اتومبیل و تولیدات صنعتی نیازمند است که به محیط زیست سالم محتاج است و برخورداری از حقوق اقتصادی بخشی از نظام حقوق بشر کنونی است بنابراین تجارت آزاد یک تعهد دوجانبه نمیتواند محسوب شود زیرا مقدمه و لازمه برخورداری بشر از حقوق اقتصادی پیش بینی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. بنابراین یک نظام تجاری چند جانبه، مناسب و پایدار در سطح بین المللی خودش یک هدف مشترک جهانی^{۳۵} است (چو، ۲۰۰۵: ۳۰۰) و این هدف عام خود یک ارزش است زیرا به نیازهای مربوط به حقوق اقتصادی نوع بشر پاسخ می‌دهد. اعلامیه مراکش که همزمان با تاسیس سازمان جهانی تجارت صادر شد نیز به همین هدف مشترک اشاره کرده و اعلام می‌دارد که وزیران تاکید میکنند که تاسیس سازمان جهانی تجارت فضای جدیدی را در همکاریهای اقتصادی جهانی در پی داشته که منعکس کننده تمایلی وسیع در اجرای نظام تجاری چند جانبه بازتر و منصفانه تر برای رفاه و منفعت مردمشان می‌باشد.^{۳۶}

- فرض دو جانبه بودن تعهدات سازمان با اصل ملت‌های کامله الوداد که به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان مورد پذیرش اعضا قرار گرفته است در تناقض است. در این مورد در بخش بعدی توضیحات بیشتری ارائه خواهد گردید.

- اینکه روند مذاکرات در مورد تعهدات سازمان و بخصوص نحوه تنظیم تعهدات هر کشور در مورد اعطای امتیازات دو جانبه است دلیلی بر ماهیت دوجانبه آنها نیست زیرا این مذاکرات تنها در زمان الحاق یک کشور به سازمان جهانی تجارت در ابتدا در

قالب دولت با دولت انجام میگیرند به این ترتیب که وقتی کشوری تقاضای الحاق به سازمان را می‌نماید یک گروه کاری تشکیل می‌شود و مذاکرات این گروه کاری به دو مرحله چند جانبه و دو جانبه تقسیم می‌شود. در صورت برآورده شدن تقاضاها سندی حاوی جدول تعهدات متقاضی با کشور عضو گروه کاری امضاء می‌شود و جمع این اسناد تبدیل به پروتکل الحاق کشور متقاضی می‌شود (فاخری، ۱۳۸۶: ۹۴). تعهدات اعضای جدید که در قالب جداول تعهدات کشور متقاضی ساماندهی و تنظیم می‌شود باید در قبال کلیه اعضای سازمان بصورت مساوی و به دور از هر گونه تبعیض اجرا شود اگر چه مذاکرات دو جانبه باشد (شناخت سازمان جهانی تجارت، ۲۰۱۰: ۱۰۵). از طرفی نتایج مذاکره در مورد امتیازات تعرفه ای که غالباً بصورت دو جانبه انجام میشود با لحاظ اصل ملت‌های کامله الوداد که همه اعضا بدان متعهد هستند به همه اعضا سازمان تسری می‌یابد.

۲-۴. اثبات نظریه چند جانبه بودن تعهدات

در نقد نظریه دو جانبه بودن تعهدات در سازمان جهانی تجارت انتقاداتی وارد شد و دلائلی در رد آن نظریه ارائه گردید. در این بخش دلائل دیگری در تایید نظریه چند جانبه بودن تعهدات این سازمان به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱-۲-۴. تاکید بر چندجانبه گرایی در اسناد سازمان

در اغلب اسناد حقوقی لازم الاجرای سازمان جهانی تجارت که شامل یک اعلامیه، یک سند نهایی و ۶۰ موافقت نامه و پیوستهای آنها و تصمیمات و تفاهم نامه‌هاست صراحتاً از یک نظام چندجانبه و در برخی موارد جهانی نام برده شده که ذکر عنوان جهانی در نام این سازمان^{۳۸} شاهد بارز این مدعاست. از سوی دیگر ماهیت چندجانبه تعهدات آن را میتوان بطور ضمنی با بررسی این اسناد استنباط نمود. در اعلامیه مراکش که در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط وزرای کشورهای شرکت کننده در مذاکرات دور اروگوئه صادر شد و تشکیل سازمان را اعلام داشت به تصمیم کشورهای امضاء کننده مبنی بر مشارکت اقتصادهایشان در یک نظام تجاری جهانی اشاره شده است. در

موافقت نامه تاسیس نیز بر نقش این سازمان در اجرا و مدیریت موافقت نامه‌های تجاری چندجانبه و پیشبرد اهداف آنها تاکید گردیده^{۳۹} و از دستیابی به انسجام در سیاستگذاری اقتصادی در سطح جهانی^{۴۰} سخن گفته شده و برای این سازمان شخصیت حقوقی در نظر گرفته شده و اعضاء ملزم به اعطای صلاحیت حقوقی لازم به این سازمان برای ایفای وظائفش گردیده‌اند.^{۴۱} اصولاً تشکیل یک سازمان بین‌المللی با صلاحیت و وظائف مشخص بطور ضمنی موید چند جانبه بودن تعهدات آن است. در سایر موافقت نامه‌های سازمان نیز همین رویکرد استنباط میشود که به ذکر یک مورد اکتفا میشود. در موافقت نامه منسوجات و پوشاک به صراحت مقرر شده که تمام محدودیتهای کمی موافقت نامه‌های دوجانبه پیشین که تا روز قبل از لازم الاجرا شدن موافقت نامه سازمان جهانی تجارت مجری بوده اند پس از لازم الاجرا شدن موافقت نامه مذکور مشمول مقررات آن هستند.^{۴۲} در واقع با تشکیل این سازمان هر توافق دوجانبه ای خارج از چارچوب مقررات این سازمان منع شده که نشانگر ماهیت چند جانبه تعهدات این سازمان است.

۲-۲-۴. اصل ملت‌های کامله الوداد

اصل ملت‌های کامله الوداد یکی از اصول اساسی و تعهدی زیربنایی در سازمان جهانی تجارت است که رفتار ملت‌های کامله الوداد را بین اعضای آن برقرار میکند. رفتار ملت‌های کامله الوداد امتیازی است که دولت اعطاء کننده به دولت ذینفع میدهد و متعهد می‌گردد که در صورت توسعه و افزایش این امتیاز در روابط فی مابین دولت اعطاء کننده با یک دولت ثالث، امتیاز توسعه یافته را به این دولت ذینفع نیز تسری دهد.^{۳۳} این اصل از قرن دوازدهم به منظور جلوگیری از تبعیض در تجارت بین‌المللی و سپس از طریق معاهدات مودت، تجارت و کشتیرانی^{۴۴} و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با هدف ترویج و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها در موافقت نامه‌های بین‌المللی وارد شده است (پانیک^{۴۵}، ۲۰۰۷: ۷۵۸). این اصل در هر سه موافقت نامه اصلی سازمان وارد شده است^{۴۶}. هدف این اصل در واقع چند جانبه کردن روابطی است که ممکن است در قالب دوجانبه تنظیم شوند و حرکتی از دوجانبه‌گرایی به سوی چند جانبه

گرایی در روابط بین المللی است. بنابراین تعهدات در این سازمان از رهگذر اصل ملت‌های کامله الوداد ماهیت چند جانبه پیدا میکنند. اجرای این اصل موجب تسهیل آزادی تجارت و رفع تبعیضات موجود بین کشورهای عضو و برقراری نظامی برابر در روابط تجاری آنها خواهد شد (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۸۰). بر طبق ماده یک گات اگر یکی از اعضای سازمان هر گونه مزیت، مساعدت، امتیاز یا معافیتی را در روابط تجاری به یک عضو دیگر سازمان اعطاء کند باید آنرا فوراً و بدون قید و شرط به همه اعضای سازمان نیز اعطا کند. ذکر واژه فوراً و بدون قید و شرط^{۴۷} در این ماده دلیل بر این است که لزومی به هیچگونه توافق دو جانبه با سایر اعضا نیست و در واقع امتیازات تجاری که ابتدائاً در قالب دو جانبه مورد مذاکره قرار می‌گیرند از طریق این ماده به حالت جمعی تبدیل می‌شوند و بصورت جمعی و چند جانبه بکار می‌روند (کارمودی، ۲۰۰۶: ۳۲).

۳-۲-۴. چگونگی تصویب قواعد در سازمان جهانی تجارت

تصویب قواعد در این سازمان عمدتاً بر اساس اجماع صورت می‌گیرد. روش اجماع ساز و کاری است که از رهگذر آن هر یک از اعضای سازمان از حق تأثیر گذاری بر تصمیمات این سازمان و حتی جلوگیری از اتخاذ یک تصمیم خاص برخوردار است. رویه اجماع در این نهاد هرگز نقض نشده است هرچند که در موافقت نامه تأسیس استفاده از روش رأی گیری نیز مجاز شناخته شده است. کشورهای فقیر از همین طریق قدرت خود را برای تأثیر گذاری بر فرآیند تصمیم گیری نشان میدهند که مذاکرات دور دوحه نشانگر آن است (ساترلند، ۲۰۰۴: ۵۰). مذاکرات بسیار داغ و جدی میان دولتهای عضو سازمان جهانی تجارت در جریان دوره‌های مذاکراتی مختلف خود نشانگر تأثیر چند جانبه‌گی این مذاکرات است. اگر تعهدات سازمان جهانی تجارت ماهیتاً دو جانبه باشد در این صورت چه لزومی دارد که دولتهای عضو در طول دوره‌های مذاکراتی آنقدر برای به کرسی نشاندن مواضع خود و قاعده سازی در جهت سیاستهای خود تلاش کنند. همه این تلاشها و مذاکرات سخت و دشوار بوسیله کشورهای قدرتمندی مانند آمریکا یا اتحادیه اروپا و یا کشورهای در حال توسعه و پافشاری‌های دول عضو سازمان بر مواضع خود نشانگر آن است که تعهدات حاصل از این مذاکرات متعاقباً

ماهیتی چند جانبه خواهد داشت و همه دولتهای عضو بدانها ملزم خواهند شد و عملاً قادر به شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیتهای ناشی از آن نخواهند بود (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

۴-۲-۴. رویه قضایی سازمان جهانی تجارت

اختلافات اعضاء سازمان جهانی تجارت در خصوص حقوق و تعهداتشان بر اساس تفاهم نامه مربوط به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات^{۴۸} که دومین ضمیمه موافقت نامه تأسیس سازمان می‌باشد حل و فصل میشوند. در صورت بروز اختلاف با درخواست طرف شاکی یک هیأت رسیدگی^{۴۹} برای حل اختلاف تشکیل و پس از رسیدگی رای صادر میشود. به علاوه یک رکن استیناف^{۵۰} دائمی برای تجدید نظرخواهی از احکام هیأت رسیدگی پیش بینی شده است. احکام صادره پس از قطعیت الزام آور هستند. از زمان تشکیل سازمان جهانی تجارت تا کنون صدها رای توسط رکن حل و فصل اختلافات صادر شده که نشانگر تفسیر مقررات این سازمان نیز میباشد. در این بخش برخی از آراء صادره که تاییدی بر نظریه چند جانبه بودن تعهدات سازمان است ارائه میگردد:

۱- در قضیه اتحادیه اروپا- ترجیحات تجاری^{۵۱} (WT/DS246/AB/R, 2004,) (Parag.146-148) رکن حل و فصل اختلاف اعلام میدارد که ترجیحات تجاری در مورد کشورهای در حال توسعه باید بصورت عمومی، غیرمتقابل و بدون تبعیض^{۵۲} بکار برده شود. این رویکرد نشاندهنده آن است که مقررات مربوط به ترجیحات تجاری که بخشی از تعهدات دول عضو میباشد باید به شکل چند جانبه و نه دوجانبه یا متقابل به اجرا گذاشته شوند و دول عضو نمیتوانند این مقررات را بصورت دوجانبه در مورد برخی کشورهای در حال توسعه اجرا کنند و در مورد برخی اجرا نکنند و یا در صورت اجرا بین آنها تبعیض قائل شوند.

۲- در قضیه ایالات متحده- میگو^{۵۳} (WT/DS58/AB/R, 1998, Parag. 156) رکن حل و فصل اختلاف اعلام میدارد که باید یک تعادلی بین حق استناد یک عضو به یکی از استثنائات بر اساس ماده ۲۰ موافقت نامه گات و تعهد آن عضو به رعایت

حقوق سایر اعضا که بر اساس همان موافقت نامه ایجاد شده است برقرار گردد. مجاز شناختن یک عضو به سوء استفاده از این حق مندرج در ماده ۲۰ به معنی کاهش تعهدات آن عضو نسبت به سایر اعضا و تضييع حقوق آنهاست. در اینجا رکن حل و فصل اختلافات از حقوق و تعهدات یک عضو در قبال سایر اعضا و نه یک عضو خاص سخن می‌گوید و بر این موضوع تاکید دارد که حقوق و تعهدات هر یک از اعضا بصورت چندجانبه در قبال همه دیگر کشورهای عضو باید مد نظر قرار گیرد.

۳- در قضیه ایالات متحده - رفتار مالیاتی^{۵۴} (WT/DS108/AB/R, 2002,) (Parag.5) در مورد حق استناد به اقدامات متقابل رکن حل و فصل اختلاف اعلام میدارد که این حق را باید با توجه به وضعیت حقوقی عمل خلاف و وضعیتی که در آن نقض آن تعهد تعادل حقوق و تعهدات بین اعضا را بر هم میزند مورد ارزیابی قرار داد.

۴- در قضیه جوامع اروپایی^{۵۵} (WT/DS69/AB/R, 1998, Parag.94) رکن استیناف اصل ملت‌های کامله الوداد را به عنوان مرکز ثقل، اصل اساسی و زیر بنایی نظام تجارت جهانی شمرده و اعلام میدارد که اغلب امتیازات تعرفه‌ای در قالب دو جانبه مورد مذاکره قرار می‌گیرند اما نتایج این مذاکرات بر یک مبنای چند جانبه توسعه پیدا می‌کنند.

۳-۴. آثار حقوقی چندجانبه بودن تعهدات در سازمان جهانی تجارت

۱-۳-۴. اجرای حق توسعه

در حال حاضر حدود دو سوم از اعضای سازمان جهانی تجارت را کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته تشکیل می‌دهند. از همین روی در تنظیم قواعد و مقررات آن با اعتقاد به رویکرد چندجانبه‌گرایی توجه ویژه‌ای به حق توسعه شده و موافقت نامه‌های سازمان مملو از مقرراتی در مورد توسعه است.^{۵۶} در موافقت نامه‌ها امتیازات زیادی به کشورهای در حال توسعه داده شده و کشورهای کمتر توسعه یافته از امتیازات ویژه از جمله معافیت از بسیاری از مقررات برخوردار شده‌اند (سایت

سازمان جهانی تجارت^{۵۷}، ۲۰۱۰). آزاد سازی تجارت در سطح بین المللی که هدف اساسی و یکی از اصول مهم و زیربنایی این سازمان میباشد در چارچوب حق توسعه تبیین گردیده و به زعم موافقان آزاد سازی تجارت این هدف به نفع کشورهای در حال توسعه است و در حقیقت توسعه از رهگذر آزاد سازی تجارت تحقق می‌یابد و کشورهای در حال توسعه ذینفع بالقوه آزاد سازی تجارتی در زمینه‌های کشاورزی، کالاهای تولیدی و خدمات هستند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۵). آزاد سازی تجاری می‌تواند با آماده کردن زمینه ای که در آن همه دولتها مزیت اقتصادی‌شان را بکار اندازند و به رشد پایدار برسند مشکلات جهان را حل نماید و هدف عدالت اقتصادی جهانی را تحقق بخشد (کاپستین، ۲۰۰۷: ۲۲). در سازمان جهانی تجارت توقع امتیازدهی از اعضای ضعیفتر کمتر است و این مصداق همان تعهدات جمعی یا دسته جمعی است که در ورای آن یک هدف عمومی و دسته جمعی وجود دارد و در واقع اعضای این رابطه برآند تا در سایه توافق و همکاری دسته جمعی و نه صرفاً متقابل به اهدافی مشترک مثلاً توسعه پایدار در قلمرو همه کشورهای عضو برسند.

۲-۳-۴. رفتار ویژه و متفاوت در قبال کشورهای در حال توسعه و ضعیف

یکی از آثار مهم چند جانبه انگاری تعهدات در سازمان جهانی تجارت توجه ویژه به نیازهای کشورهای در حال توسعه و ضعیف در جریان تدوین و اجرای مقررات و تلاش برای تضمین سهم آنها در رشد تجارت بین المللی متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی آنهاست.^{۵۹} از این رو در اغلب موافقت نامه‌های سازمان رفتاری ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و ضعیف در پیش گرفته شده است. مثلاً در تنظیم و اعمال اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی حفظ فرصت‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی زمان طولانی تری برای اجرا به آنها داده شده است.^{۶۰} در موافقت نامه کشاورزی کشورهای در حال توسعه عضو مجاز شده اند تا تعهدات مربوط به کاهش را در طول دوره ای حداکثر ۱۰ ساله به مرحله اجرا بگذارند و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی از التزام به تعهدات مربوط به کاهش معاف گردیده‌اند.^{۶۱} در مورد کشورهای در حال توسعه که تولید کننده

پشم هستند و اقتصاد و تجارت منسوجات و پوشاکشان به بخش پشم وابسته است. ملاحظات خاصی در هنگام بررسی سطوح سهمیه و نرخهای رشد آنها در مورد نیازهای صادراتیشان در نظر گرفته میشود.^{۶۲} همچنین اجازه عدول از برخی از مقررات موافقت نامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت^{۶۳}، معافیت از برخی ممنوعیتهای مقرر شده در مورد یارانهها^{۶۴}، افزایش ظرفیت خدمات و از جمله دسترسی به فناوری و بهبود امکانات دسترسی به کانالهای توزیع و شبکههای اطلاعاتی^{۶۵} و معافیت کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی از اغلب مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری و انتقال فناوری به این کشورها^{۶۶} نمونههای بارزی از تدوین و اجرای مقررات سازمان به نفع این دسته از کشورها بر پایه تفکر چندجانبه گرایی است. تبعیض ناشی از رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته ناشی از این اعتقاد است که نیازهای تجاری آنها اساساً با نیازهای کشورهای توسعه یافته متفاوت است و نباید بر این دو دسته از کشورها قواعد تجاری یکسان اعمال شود (میشل^{۶۷}، ۲۰۰۶: ۴۴۶)^{۶۸}.

۳-۴. اجباری شدن حل و فصل اختلافات

پیش بینی یک نظام مناسب برای حل و فصل اختلافات یکی از عوامل اصلی موفقیت و کارایی سازمانهای بین المللی است. در مورد موافقت نامه های تجاری بین المللی علاوه بر مذاکراتی که برای رسیدن به توافق و تعیین تعهدات مورد توافق به عمل می آید اجرای اینگونه موافقت نامه ها و تعهدات ناشی از آنها منوط به این خواهد بود که این تعهدات دارای قدرت اجرایی باشند (بای ول و همکاران^{۶۹}، ۲۰۰۵: ۱). این قدرت اجرایی داشتن تا حدود زیادی بستگی به ابزارهایی است که به عنوان پشتوانه و ضمانت اجرایی آن پیش بینی شده اند و هر چه ساختار و چگونگی حل و فصل اختلافات در سازمانی کاملتر و قوی تر باشد پشتوانه اجرای تعهدات آن سازمان بین اعضاء محکم تر خواهد بود. این سازمان با ایجاد نهاد اجباری حل و فصل اختلافات که رکن مرکزی این نظام تجارت چند جانبه است دستاورد ویژه ای در جهت ثبات اقتصاد جهانی ارائه نموده است. نظام حل و فصل اختلافات این سازمان به مراتب

کاملتر از رکن قضایی سازمان ملل است و نشانگر یک نظام اشتراکی خاص^{۷۰} است که در این سازمان جهانی در جریان میباشد (لامی^{۷۱}، ۲۰۰۷: ۹۷۶). در این سازمان اساساً تضمین احترام به قواعد سازمان مهمتر از تعیین غرامت است که نشانه آشکاری از تبدیل یک اجتماع به یک جامعه^{۷۲} است. برای اقامه دعوی داشتن منافع قانونی و اقتصادی^{۷۳} کافی است یعنی هر دولت عضوی می‌تواند به نظام حل و فصل اختلافات رجوع کرده و علیه عضو دیگری اقامه دعوی نماید چه در آن قضیه یک نفع شخصی و مستقیم داشته باشد و چه نداشته باشد. بنابراین صحبت از منافع کل دولتهای عضو است. رکن حل و فصل اختلافات در قضیه موز - جامعه اروپایی^{۷۴} اظهار داشت که ایالات متحده منفعت کافی برای اقامه دعوی علیه جامعه اروپایی را دارد هر چند عملاً امریکائیه موز صادر نمی‌کردند و این اثر اشتراکی کردن قواعد سازمان جهانی تجارت^{۷۵} می‌باشد (همان، ۹۷۶).

۴-۳-۴. نظارت مستمر بر سیاست تجاری کشورهای عضو^{۷۶}

در سازمان جهانی تجارت نهادی ویژه به منظور بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو پیش بینی شده است که یکی از ارکان اصلی سازمان بشمار می‌رود^{۷۷}. تاسیس این نهاد و وظائف آن که در قالب موافقت نامه ای خاص ضمیمه موافقت نامه تاسیس سازمان شده است یکی از آثار پذیرش چندجانبه بودن تعهدات سازمان است. لذا قواعدی که در سازمان حاکم است قانوناً برای همه اعضا الزام آورند و از طریق این نهاد ویژه نظارت می‌شوند و از طریق نظام حل و فصل اختلافات ضمانت اجرایی پیدا میکنند (نوتایه^{۷۸}، ۲۰۰۶: ۹۹۰). هدف از بررسی خط مشی تجاری کمک به تبعیت بهتر همه اعضا از قواعد و تعهدات ایجاد شده است^{۷۹}. این رکن موظف است تا نسبت به چهار واحد عمده تجاری از جمله اتحادیه اروپا هر دو سال یکبار و نسبت به شانزده واحد تجاری دیگر هر چهار سال یک بار و در مورد سایر اعضا هر شش سال یکبار سیاست‌ها و تدابیر تجاری اعضا را مورد بررسی قرار داده گزارشی در این رابطه تهیه نماید^{۸۰}. این گزارش همراه با توضیحات دولت متبوع آن کشور منتشر شده و در معرض دید دیگر کشورها قرار می‌گیرد. در واقع هدف از وضع این مقررات تضمین

وفاداری اعضاء به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهداتی است که ماهیت چندجانبه دارند و با تاسیس این نهاد به گفته پاسکال لامی مدیر کل فعلی سازمان جهانی تجارت این سازمان یک نظام حقوقی یکپارچه و منحصر به خود دارد که از طریق آن بر یک اجتماعی از دولتها حکومت می‌نماید. (لامی^۱، ۲۰۰۷: ۹۷۱).

۵. نتیجه‌گیری

تعهدات بین‌المللی با توجه به ماهیت روابط میان متعهدین به سه دسته دوجانبه، چندجانبه و همگانی تقسیم میشوند. در مورد ماهیت حقوقی تعهدات سازمان جهانی تجارت گروهی معتقدند تعهدات این سازمان اصولاً جنبه تجاری دارند و هدف تجارت ایجاد یک رابطه متقابل در روابط یک دولت با دولت دیگر است و ماهیتی دوجانبه دارد. این گروه با مقایسه قواعد تجاری با قواعد حقوق بشری استدلال می‌کنند که منافع تجاری مانند ارزشهای حقوق بشری جنبه جهانی یا چندجانبه ندارند. چگونگی مذاکرات و اجرای تعهدات در سطح سازمان نیز به باور این گروه دلیلی بر ماهیت دوجانبه این تعهدات هستند و لذا روابط کشورهای عضو سازمان را می‌توان به تعداد زیادی روابط تجاری دوجانبه تفکیک کرد و در صورت نقض تعهد از سوی یکی از اعضاء مقررات مربوط به تعهدات دوجانبه بین‌المللی بر روابط آنها حاکم خواهد شد. گروه دیگری معتقدند شفافیت در امر تجارت بین‌المللی امروزه یکی از نیازهای اساسی جامعه جهانی و لازمه تجارت منصفانه و رقابتی در سطح بین‌المللی است و این سازمان کشورهای عضو را از توافقات دوجانبه محرمانه که قابل تسری به سایر اعضاء از طریق اصل ملت‌های کامله الوداد نباشد بر حذر میدارد و پذیرش نظریه دوجانبه بودن تعهدات در این سازمان با اصل ملت‌های کامله الوداد که از اصول اساسی آن است در تضاد است. مقایسه تعهدات تجاری سازمان با تعهدات حقوق بشری و زیست محیطی و رتبه بندی آنها به شکلی که طرفداران نظریه دوجانبه بودن تعهدات ادعا میکنند نیز قابل پذیرش نیست و حقوق اقتصادی بین‌المللی یکی از ارزشهای فعلی جامعه بین‌المللی و از مصادیق حقوق بشر است و برقراری امنیت، عدالت،

رقابت عادلانه و شفافیت در امر تجارت که از تعهدات اساسی سازمان جهانی تجارت هستند تعهداتی ماهیتاً چند جانبه و ضامن منافع جمعی اعضای این نظام تجاری است. تاکید مکرر بر نظام چندجانبه تجاری و پیش بینی اصل رفتار ملت‌های کامله الوداد در موافقت نامه‌های اصلی این سازمان که به موجب آن امتیازات تجاری دوجانبه به سایر اعضا تسری می‌یابند و چگونگی تصویب قواعد در این سازمان موید چندجانبه بودن تعهدات آن می‌باشند. اجرای اصل توسعه، رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و ضعیف، برقراری نظام اجباری حل و فصل اختلافات که از دستاوردهای ویژه این سازمان بشمار میرود و ایجاد نهادی ویژه به منظور بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان که بر عملکرد اعضا نظارت مستمر دارد از آثار پذیرش ماهیت چندجانبه مقررات این سازمان و تعهدات اعضا آن به‌شمار می‌رود.

پی‌نوشت

- | | |
|---|--|
| 1. Extradition | 2. Akehurst |
| 3. Mutual relations. | 4. Brownlie |
| 5. Bilateral Investment treaties. | 6. Sornaracha |
| 7. Unilateralism | 8. Cassese |
| 9. Sicilianos | 10. Spinedi |
| 11. Dupuy | 12. Nolte |
| 13. Klein | 14. Barcelona Traction. |
| 15. Wolfke | 16. Tams |
| 17. Hannikainen | 18. Macdonald |
| 19. Wto site, Gatt members, 2008 | 20. Wto site, The wto, 2010 |
| 21. Multilateral trade system | 22. World trade organization . |
| 23. Matrix | 24. Trade is and remains a bilateral happening |
| 25. pauwelyn | 26. Gazzini |
| 27. Pauwelyn, 2002, http://www.Jeanmonnetprogram.Org | |
| 28. Pauwelyn, 2002, http://www.Jeanmonnetprogram.Org | |
| 29. Carmody | 30. Sutherland |
| 31. Inter – Governmental Contract | 32. Cho |
۳۳. بند اول و دوم ماده ۳ و ماده ۳ موافقت نامه عمومی تجارت خدمات
۳۴. بند اول ماده ۴۱ موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری.
35. Global commons.
۳۶. بند دوم اعلامیه مراکش در مورد تاسیس سازمان جهانی تجارت مصوب ۱۹۹۴
37. Wto, understanding the wto
38. World trade organization

۳۸. بند اول ماده سوم موافقت نامه تاسیس سازمان
۳۹. بند پنجم همان ماده
۴۰. بند اول ماده هشتم همان موافقت نامه
۴۱. بند اول ماده دوم موافقت نامه منسوجات و پوشاک
۴۲. ماده ۵ پیش نویس معاهده اصل ملت‌های کامله الوداد مصوب سال ۱۹۷۸ کمیسیون حقوق بین الملل.
43. Friendship, Commerce and Navigation treaties.
44. Yannick
۴۵. ماده اول موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و ماده دوم موافقت نامه عمومی تجارت خدمات و ماده چهارم موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری
46. Immediately and Unconditionally
47. Understanding on rules and procedures governing the settlement of disputes
48. Dispute settlement panel.
49. Appellate body.
50. Ec-Tariff preferences
51. Generalized, non-reciprocal and non-discriminatory
52. U.S.- Shrimp
53. U.S.- Tax treatment for foreign sales corporation
54. European Communities
۵۵. در سایت سازمان جهانی تجارت بخشی وجود دارد تحت عنوان ده استنباط متداول نادرست در مورد سازمان جهانی تجارت که در آن سعی شده به شبهات مطروحه پاسخ مناسب داده شود. یکی از این استنباط‌های نادرست که بدان پاسخ داده شده این تصور است که سازمان و قواعد آن تنها برای حفظ منافع تجاری کشورهای توسعه یافته طراحی شده و از توجه به نیازمندیهای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته غافل شده است.
56. Wto, 10 common misunderstanding about the wto, 2010
57. Kapstein
۵۸. بند ششم اعلامیه مراکش مصوب ۱۹۹۴ و بند دوم مقدمه موافقت نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت
۵۹. بند اول و دوم ماده ۱۰ موافقت نامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی
۶۰. بند دوم ماده ۱۵ موافقت نامه کشاورزی
۶۱. بند ششم ماده ۶ موافقت نامه منسوجات و پوشاک
۶۲. ماده ۴ موافقت نامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت
۶۳. ماده ۲۷ موافقت نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی
۶۴. ماده ۴ موافقت نامه عمومی تجارت خدمات
۶۵. ماده ۶۶ موافقت نامه عمومی تجارت جنبه‌های فکری مالکیت فکری
66. Mitchell
67. Mitchell, Andrew, op. cit. p. 446.
68. Baywell, et. al.
69. A certain Communitization
70. Lamy
71. Transformation of a society to a community
72. Legal and economic interest
73. Ec – Bananas .
74. Communitization of wto law
75. Trade policy review body.
۷۶. بند چهارم ماده چهار موافقت نامه تاسیس سازمان

77. Nottaye

۷۸. بند اول ماده اول ضمیمه سوم موافقت نامه تاسیس سازمان

۷۹. بند دوم ماده سوم ضمیمه سوم موافقت نامه تاسیس سازمان

80. Lamy

منابع

الف. فارسی

- ذوالعین، پرویز (۱۳۷۷). مبانی حقوق بین الملل عمومی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول
- رضایی، محمدتقی؛ باقری، محمود و حجت زاده، علیرضا (۱۳۸۸). اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجارت: چالش ها و فرصت ها، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱ (۲۶) بهار و تابستان.
- رضایی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت. تهران: انتشارات نشر میزان.
- سورناراجا (۱۳۸۳). معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری، ترجمه دکتر توکل حبیبزاده، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۰.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۵). قواعد آمره و نظم حقوقی بین المللی. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- صدر، جواد (۱۳۷۶). حقوق دیپلماتیک و کنسولی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴). حقوق معاهدات بین المللی، تهران: کتابخانه گنج دانش
- فاخری، مهدی (۱۳۸۶). راهکارهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، تهران: نشر ثالث

کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۰). **حقوق بین الملل در جهانی نامتحد**. تهران: انتشارات دفتر حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۷). مقدمه کتاب: **حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی**، ترجمه و تحقیق از حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر دادگستر

ممتاز، جمشید (۱۳۷۶). **ایران و حقوق بین الملل**، تهران: نشر دادگستر.

نونژاد، مسعود (۱۳۸۳). **تجارت بین الملل: سازمان‌های تجاری بین الملل**، سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت‌های چند ملیتی، شیراز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، جلد سوم

ب. انگلیسی

- Akehurst, Michael (1987). **A modern Introduction to International law**, sixth Edition, London, Unwin Hyman.
- Baywell, kyle and staiger, Robert (2005). **Enforcement. private political pressure and the GATT/Wto Escape clause**, at: http://www.stanford.edu/~rst_aiger/chicago.jls.paper.041805.jlsfinal.pdf.
- Brownlie, Ian (1988). **Principles of Public International Law**, London, clarendon press, oxford.
- Carmody, chios (2006). Wto obligations as collective, *The European Journal of International Law*, 17 (2).
- Cho, Sungjoon (2005). A quest for WTO's legitimacy, **World Trade Review**, 4 (3).
- Dupuy, Pierre- Marie (2002). General stocktaking of the Connections between the Multi lateral Dimention of obligations and codification of the law of Responsibility, **The European Journal of International Law**, 13 (5).
- Gazzini, Tatrcisio (2006). The Legal nature of wto obligations and the consequences of their Violation, **The European journal of Internatinal Law**, 17 (4).
- Hannikainen, Lauri. (1988). **Preptory Norms (Jus cogens) in international law: Historical development, criteria, present status**, Finnish Lawers Pub. Co., Helsinki,
- Kapstein, Ethan (2007). **Economic Justice in an Unfair World:**

- towards a level playing field, **World Trade Review**, 6 (1).
- Klein, Pierre (2002). Responsibility for serious breaches of obligations deriving from peremptory norms of International law and United Nations Law. **European Journal of International Law**, 13 (5).
- Lamy, Pascal (2007). The place of the WTO and its law in the international legal order. **European Journal of International Law**. 17 (5).
- Macdonald, R. St. J. (1987). **Fundamental norms in contemporary International law**. Canadian yearbook of international law.
- Mitchell, Andrew (2006). A Legal principle of special and Differential treatment for WTO Disputes, **World Trade Review**, 5 (3).
- Nolte, Georg (2002). From Dionisio Anzilotti to Roberto Ago: The classical International law of State Responsibility and the Traditional Primacy of a Bilateral Conception of international State Relations. **European Journal of International Law**, 13 (5).
- Nottaye, Hunter and Sebastian, Thomas (2006). Giving legal effect to the results of WTO trade negotiations: An analysis of the methods of changing WTO law. **Journal of International Economic Law**, 9 (4).
- Pauwelyn, Joost (2002). **The nature of WTO obligations**. Academy of European Law 2002, <http://yeaxmonnetprogram.org>.
- Pauwelyn, Joost (2003). **Conflict of norms in public international law: How WTO law relates to other rules of International law**. New York, Cambridge University Press.
- Sicilianos, L. A. (2002). The Classification of obligations and the multilateral dimension of the relations of international responsibility. **European Journal of International Law**, 5 (13).
- Spinedi, Marina (2002). From one codification to another: Bilateral and multilateral in Genesis the codification of the law of Treaties and the law of state Responsibility, **European Journal of International Law**, 13 (5).
- Sutherland, et al, (2004). **The Future of the WTO**, Geneva, WTO Publication.
- Tams, Christian (2002). Do serious breaches give rise to any specific obligations of the responsible state? **European Journal of International Law**, 13 (5).
- Wolfke, Karol (1974). **Jus Cogens in international law**. Polish yearbook of international law.

- WT/DS246/AB/R, 7 April 2004.
- WT/DS58/AB/R, 12 Oct. 1998.
- WT/DS108/AB/R, 30 Aug. 2002.
- WT/DS69/AB/R, 10 April 1998.
- WT/DS69/AB/R, 13 July 1998.
- Wto site, **Understanding the wto**, 2010, <http://www.wto.org/English/thewto-e/whatis-e/tif-e/utw-chap1-e.pdf>
- Wto site, Gatt members, 2010, <http://www.wto.org/english/thewto-e/gattmem-e.htm>
- Wto site, **the wto**, 2010 http://www.wto.org/english/the_wto-e/whatis-e/tif-e/org6-e.htm
- Wto, **10 common misunderstanding about the wto**, 2010, http://www.wto.org/english/thewto-e/10commonmisunderstandingaboutthe_wto-e.htm
- Yannick, Radi (2007). The application of the Most-Favoured Nation clause to the dispute settlement provision of bilateral investment treaties. **The European Journal of International law**. 18 (4).

